

از جلسه پالتاکی ۴ اکتبر چه خبر؟

یادم هست تازه انقلاب ۵۷ پیروز شده بود و من یک جوان بودم . فیلم سینمایی به نام سناتور روی پرده سینماها بود . ماجرای فیلم از این قرار بود که ریاست اداره مبارزه با مواد مخدر یک سناتور بود که خودش کل شبکه های صادرات و واردات و توزیع مواد مخدر را در اختیار داشت . او جلسات بسیاری با نام مشورت و راهبری جهت پیدا کردن راه های مبارزه با مواد مخدر ترتیب می داد و معمولن خودش با شور و حرارت زائدالوصفی علیه مواد مخدر و توزیع آن سخنرانی می کرد. باور اینکه انسانها در دنیای واقعی بتوانند این گونه انسان ها را فریب بدهند هنوز هم برایم سخت است.

چندین سال است که با موضوع بورکراتیسم در جنبش کارگری درگیر هستم و هر وقت در رابطه با بورکراتیسم فکر می کنم یا صحبت می شود نا خودآگاه فیلم سناتور در ذهنم فلش می زند. هنوز دقیق نتوانستم درک کنم که این دو چقدر می توانند باهم سنخیت داشته باشند. اما در باره هر دو سوال های ذاتا" مشترک برایم وجود دارد .

مبارزه با قاچاق مواد مخدر بطور ۱۸۰ درجه در مقابل عمل وارد و صادر و توزیع مواد مخدر قرار دارد دقیقا" همانطوریکه مبارزه برای دموکراسی مستقیم در مقابل بورکراتیسم قرار دارد. اینجاست که این دو مبارزه و سوالات مربوط به آنها ماهیتا" یکی می شوند.

برخی اوقات مسائل روز مره چنان با واقعیت یک موضوع آموزشی انطباق می یابد که با هیچ وسیله ای امکان انکار آن میسر نمی شود. بیش از دو ما است که با چند نفر از رفقا بحث بورکراتیسم در جنبش کارگری را موضوع بررسی و آموزش قرار داده ایم اما در رابطه با مثال های عینی - امروزی برای بهتر درک کردن موضوع به مشکل بر می خوردیم تا اینکه آخرین آفیش تبلیغاتی نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بدستم رسید . به ظاهر هیچ مشکلی ندارد و یک موضوع و ابزاری برای پیش برد دموکراسی مستقیم است. اما وقتی در رابطه با علل در خواست و تشکیل جلسه فوق فکر می کنیم نگاه تضاد بسیار عمیقی را با موضوع تعیین شده در این آفیش با طرح اولیه تقاضای جلسه نمایان می شود. با دیدن این آفیش و اینکه ۴ اکتبر در پالتاک اسیر بودم تا وارد جلسه تبلیغ شده توسط نهاد های فوق شوم ذهنم مملوم از سوالات ضد و نقیض شد . تا اینکه به یکی از رفقا در نهادها همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور زنگ زدم و از ایشان موضوع را جویا شدم او گفت درست است جلسه ای که قرار بود برای بررسی مشکلات رفقا در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر تشکیل شود از ۴ اکتبر به ۱۱ اکتبر منتقل شده است . پرسیدم موضوع انتخابی ربطی به موضوع آن رفقا ندارد ایشان گفت تا حالا با اون رفقا دو جلسه مشورتی - سازماندهی تشکیل دادیم و خود آنها قبول کردند که موضوع جلسه "تشکل ها و شرایط موجود جنبش کارگری" باشد که آخرین جلسه ۴ اکتبر بوده است پرسیدم ولی من هرچه گشتم جلسه ۴ اکتبر را پیدا نکردم جواب داد جلسه به صورت دیگری بوده است چون می خواستیم جلسه محدود باشد و فقط کسانی که خود مان تشخیص می دادیم لازم هستند بتوانند شرکت نمایند گفتم یعنی مسائل جنبش کارگری را در اوطاق های در بسته و دور از چشم خود کارگران و فعالین حل و فصل می کنید؟ گفت نه برای جلوگیری از اختلافات و سوء استفاده ی برخی از افراد ناباب این کار را کردیم. پرسیدم باب یا ناباب بودن افراد را چه کسانی و با چه معیارهای تشخیص دادند؟ خندید و گفت من حق ندارم اسم کسی را به زبان بیاورم . پرسیدم

چرا دو جلسه آیا برای سازماندهی یک اوطاق پالتاک که نهایتاً دو یا سه ادمین لازم است ۷ یا ۸ ساعت نیاز به بحث و گفتگو است؟ او گفت نه در رابطه با اینکه چه چیز های گفته شود و چه چیز های گفته نشود و تعیین موضوع بحث زمان زیادی لازم شد و در یک جلسه ممکن نشد و ...

این صحبت نشان می دهد که رفقای طرفدار " دمکراسی مستقیم " اعتقاد دارند برخی از مسائل را از خود کارگران و فعالین باید پنهان کرد به این دلیل است که ۸ ساعت در موقعیت مخفی تلاش می کنند رفقای معترض را قانع نمایند که بهتر است چه چیزی را بگویند و چه چیزی را نگویند. متأسفانه دمکراتیسم مانند گریه است گریه را هر گونه به بالا پرت کنید روی چهار دست و پا پایین می آید و بورکراتیسم هر جای که باشد خود را عقل کل ، قیم و صاحب جنبش کارگری می داند.

موضوعی که در این آفیش به جای موضوع اعتراضی رفقای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر چپانده شده است از هر کلمه اش دهها فریاد به گوش می رسد که برای رسیدن از موضوع اعتراضی رفقای فوق تا به این موضوع تحمیلی بورکرات ها طی دو جلسه چه تلاش های فریب کارانه ای را صورت داده اند تا مبادا دمکراسی مستقیم باعث حل مشکل بخشی از جنبش کارگری شده و آن را از بن بست خارج کند که خروج آن از بن بست مساوی با باز شدن مشیت بورکرات ها و پرتاب شدن آنها به حاشیه به جهت مانع رشد و حرکت جنبش کارگری هستند . ما در موارد آموزشی خود برای درک بهتر رفقا از بورکراتیسم تصمیم گرفتیم این مورد را به عنوان یک مثال تازه و زنده وارد بحث خود نماییم . پس از صحبت در این مورد که می توانیم از این پس مورد استفاده قرار دهیم بیشتر رفقا پیشنهاد کردند ضمن اینکه باید از کم و کیف این قضیه بیشتر اطلاع پیدا کنیم و با دقت بیشتر به صورت موضوع آموزشی در بیاوریم بهتر است فعلاً" به یک مقاله برای انتشار تبدیل نماییم در راستای این پیشنهاد مقاله فوق تنظیم و منتشر شد.

در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۳۰ نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور در اطاق پالتاک خود جلسه ی بر گزار کرد که سخنران آن محمود صالحی بود در جلسه فوق مقابل صحبت های محمود چند نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر اعتراض کردند و نهاد ها قول دادند در ۴ اکتبر جلسه تشکیل بدهند تا رفقای معترض بتوانند صحبت کرده و موضوع اعتراضی خود را بشکافند. اما بر گزاری جلسه فوق تحت شعاع شاخک های حسی بورکراتهای عظیم الشان قرار گرفت. بورکرات ها سریعاً دست بکار شده برای تغییر مسیر و حاصل قول جلسه ای که ناشیانه و از روی هیجان لحظه ی داده بودند مانند اینکه بدون در نظر گرفتن ماهیت بورکراتیسم وارد قمار شده و سکه ای را به هوا پرتاب کرده بودند. بنابراین آنها با دقت چرخش سکه را زیر نظر گرفتند چون در هر یک چرخش سکه بورکرات ها یک شانس برای تغییر ماهیت جلسه و تبدیل ان به جلسه بی محتوا داشتند .

این بورکرات ها ی "قیم"، جنبش کارگری برای مهار دمکراسی مستقیم و تعیین چهار چوب محدود یا گله گشاد بی ربط و سلب آزادی معترضین و بقیه دور از چشم افراد نا باب ، اقدامات عاجل خود را شروع کردند . آنها قبل از ۴ اکتبر توانستند خود، جلسه چهار اکتبر را که به عنوان جلسه اصلی انتخاب و کلی تبلیغ کرده بودند به یک جلسه مشورتی تبدیل نمایند . این مخفی کاران و خداوندان " دمکراسی مستقیم" (دارندگان سرفقلمی جنبش کارگری) به چلسات پنهانی پناه بردند تا با تعیین خطوط قرمز و ایجاد شرایط کنترل آزادی از طریق خواهش و تمنا ویا تهدید به اینکه باعث ضربه به جنبش کارگری می شوید و... خواست های خود را پیش برده و زمینه یک جلسه بی محتوا را طرح ریزی کردند. اینکه جلسه چه خواهد شد فعلاً از

دست آنها خارج است اما آنها تلاش خود را کردند و پایه های کنترلی لازم را گذاشته اند. در دو جلسه مخفی گذشته توانستند به بهانه سازماندهی بر گذاری برای جلسه اصلی که قلعن ۱۱ اکتبر است برنامه ریزی نمایند. به هر صورت ماجرای دو جلسه سازماندهی و مشورت این نهاد ها مرا به یاد فیلم سیناتور انداخت ، که سناتور همزمان قیم مبارزه با مواد مخدر و رئیس باند های قاچاق بود

حالا رفقای شرکت کننده در نهاد ها ... خود را قیم هدایت مبارزات جنبش کارگری به صورت "دمکراسی مستقیم" می دانند و در جلسات "مشورتی و سازماندهی" اجرایی جلسه اصلی، برای پیش برد بورکراتیسم خود کل صورت مسئله را تغییر داده ، چنان تیتزی تعیین می کنند که اصلن و ابدان اصل موضوع دیده نمی شود. در واقع از شکوفایی و امکان عبور یک تشکل از یک مانع و بن بست جلوگیری می کنند. اصل موضوع این است که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر بخش کوچکی از جنبش کارگری است که در مسیر حرکت خود حالا دچار مشکل ، مانع و بن بست شده است. عبور از این مانع و خروج او از بن بست بستگی به حل موضوع از طریق دمکراسی مستقیم دارد . اما حل مشکل از طریق دمکراسی مستقیم باعث باز شدن مشت بسیاری از بورکراتهای رادیکال نما که سد راه حرکت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر هستند خواهد شد در این راستا است که قیم های جنبش کارگری اجازه حرکت در مسیر صحیح را به کمیته نمی دهند . در واقع شالوده دو جلسه خصوصی نهاد ها چنین هدفی را دنبال می کرد و تا حالا نیز موفق بوده است فعلن توانسته اند ماست ریخته را جمع کرده و موضوع اختلافات موجود را ماست مالی نمایند. آیا اینکه در جلسه ۱۱ اکتبر هم موفق خواهد شد یا نه هنوز معلوم نیست.

این بورکرات ها اعتقاد دارند کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر بخش بزرگی از جنبش کارگری است که نباید ضربه بخورد در نتیجه برای اینکه از ضربه به دور باشد آن را با عمل کرد های بورکراتیسم محدود و محصور می کنند و نمی گذارند مشکلات خود را با روی کرد عمومی و دمکراسی مستقیم حل و فصل کرده از بن بست خارج شود، عمل این دوستان ظاهران حسن نیت است اما نتیجه چنین محدودیتی تحمیل شده رشد پنهانی مشکلات کوچک و تبدیل شدن آنها به غده های سرطانی خواهد بود. اگر بستر حل مشکل و مباحث میان دو طرف به صورت دمکراتیک و رو به جنبش را آماده نماییم مشکلات موجود به صورت آشکار و طبیعی حل شده ، نیروی مخرب خود را ذره ، ذره طی پروسه طبیعی آزاد می کند در این صورت موانع و بن بست با کمترین زیان بر طرف می شوند. این جا سوالی پیش می آید که آیا این دوستان (نهاد ها و برخی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر) این را نمی دانند؟

آنها می دانند اما خودشان بخش بزرگی از موانع و عامل کندی حرکت در مسیر دمکراسی مستقیم و رشد جنبش کارگری هستند. تعدادی از این رفقا طی چند دهه پایگاه بورکراتیکی که مانع رشد و حرکت است برای خود در جنبش کارگری دست و پا کرده اند. در صورت امکان رشد و حرکت صحیح، جنبش کارگری همه ی این پایگاه ها را در هم خواهد کوبید. بنا براین بورکرات ها به بهانه حفظ جنبش کارگری از حرکت و رشد آن جلوگیری می کنند. درست مانند آن سناتوری که ظاهران با قاچاق مواد مخدر مبارزه می کرد. این بورکرات ها طی دو جلسه تحمیلی با بهانه دلسوزی توانستند نقش شورای نگهبان چپ "رادیکل" را تمام و کمال به جای آورند. و جلسه ای را که قرار بود به بررسی مشکلات موجود میان اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر اختصاص یابد با تعیین عنوان گله و گشادی "تشکل ها و

شرایط موجود جنبش کارگری " ضمن پاک کردن صورت مسئله، کل موضوع را ماست مالی نمایند. اما آیا واقعان چنین چیزی ممکن است؟

تمامی بورکرات ها خود را قیم و عقل کل و صاحب جنبش کارگری می دانند در مقابل، خود جنبش و عناصر اصلی تشکیل دهنده اش یعنی عموم کارگران و فعالین آن را نامحرم رازها و اسرار جنبش کارگری می دانند در راستای چنین اندیشه ی است که به خود اجازه می دهند برای هر بخشی یا هر موضوع و مقوله از موارد موجود در جنبش کارگری چهارچوب و محدوده ای تعیین و تحمیل کنند و ان را به صلاح جنبش قلمداد نمایند . در مبارزه برای دمکراسی مستقیم تشکیل جلسات پنهانی و دور از چشم عموم ضد دمکراسی است و اینگونه جلسات و عمل کرد ها فقط از مخالفین و دشمنان دمکراسی مستقیم یعنی از بورکرات ها ممکن می شود.

باید از این رفقا پرسید :

گیریم امروز توانستید اختلاف را پنهان کنید آیا واقعان اختلاف فوق از حرکت باز خواهد ایستاد ؟ اعتقاد دارم مشکل فوق با رشد پنهان و مداوم خود و به دلیل مسدود شدن دریچه تخلیه انرژی آن انباشته شده به انفجار تبدیل خواهد شد این عمل رفقای نهاد ها گذاشتن استخوان لای زخم است.

در انتها باید گفت :

یک بار دیگر بورکرات ها ی حاکم در جنبش کارگری خود را نشان دادند و با پیش بردن دو جلسه مخفی و محدود برای کنترل یک جلسه عمومی از یک موضوع مشخص به یک موضوع همه جانبه و نامشخص نشان دادند ماهیتا" مخالف و دشمن دمکراسی مستقیم هستند.

م. اخگر

۱۳۹۱/۷/۱۵